

تحلیل پیشگیری رشدمدار از جرم در نظام حقوقی ایران

رضا بیرانوند^۱، حسین یاراحمدی^۲، علیرضا میلانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: پیشگیری رشدمدار یکی از زیرشاخه‌های پیشگیری اجتماعی است که متمرکز بر کودکان و نوجوانان در معرض خطر بوده و هدف از آن مداخله در دوره‌های مختلف رشد اطفال و نوجوانان بزهکار، منحرف یا در معرض بزهکاری به منظور پیشگیری از مزمن شدن و تکراری شدن بزهکاری آنها در آینده (دوران بزرگسالی) است. لذا این تحقیق با هدف شناخت ابعاد، جلوه‌ها و برنامه‌های پیشگیری رشدمدار با توجه به تحولات تقنینی ایران و با تمرکز بر نقش محوری پلیس انجام شده است.

روش شناسی: این تحقیق از نظر نوع، کاربردی و به روش توصیفی - تحلیلی اطلاعات لازم با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و از طریق فیش برداری و رجوع به منابع غنی فقهی - حقوقی تبیین شده است.

یافته‌ها: سن ارتکاب جرم در جرایم گوناگون در حال کاهش است؛ به گونه‌ای که سن مرتکبان برخی از جرایم متأسفانه به ۱۳ سال رسیده و کمیت آن نیز رو به گسترش است. در این راستا جلوه‌های پیشگیری رشدمدار شامل آموزه‌های دینی و سیاست تقنینی ایران بوده و همچنین برنامه‌های پیشگیری رشدمدار شامل برنامه‌های خانواده مدار، مدرسه مدار و کانون اصلاح و تربیت (آموزشی، فرهنگی، مذهبی، تفریحی - ورزشی، مددکاری - درمانی) بوده است.

نتایج: در سطح تقنینی قانون گذار ایران در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، با تأسی از اصول حاکم بر نظام عدالت کیفری اطفال توجه به خانواده را در مرکز توجهات خویش قرار داده و آنچه در این میان بدان توجهی نشده است، عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسبی در موارد تخطی از اجرای دستورات دادگاه می‌باشد. بدیهی است با توجه به آثار بازپرورانه و رشدمدار دستورات برشمرده شده در تبصره ماده ۸۸، وجود ضمانت اجرای متناسب، اجرای هر چه بهتر آن را از سوی خانواده تضمین می‌کند و در نتیجه اهداف پیشگیرانه و کودک‌مدار نظام دادرسی اطفال به نحو مطلوب‌تری تحقق می‌یابد.

کلید واژه: پیشگیری، پیشگیری رشدمدار، پیشگیری وضعی، پیشگیری زود هنگام، کودکان و نوجوانان.

۱. استادیار پایه ۱۱ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، نویسنده مسئول

rezabeyranvand2@yahoo.com

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه علوم انتظامی امین، yarahmadi.hossein@gmail.com

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

مقدمه

آینده کودکان و نوجوانان همواره یکی از دغدغه‌های جوامع بشری بوده، اگرچه علیرغم این، در برخی موارد هم مورد بی‌توجهی و بی‌مهری واقع شده‌اند. چگونگی تربیت شدن و شکل‌گیری سامانه شخصیت این گروه پایه‌های نظام رفتاری یک جامعه را بنیان می‌نهد. جوامع بشری باید با رویکردی همه‌جانبه‌نگر به چگونگی پرورش یافتن این نسل توجه نشان دهند. توجه به ویژگی‌های دوران کودکی و نوجوانی و شروع بحث علمی پیرامون آن، حدود ۱۵۰ سال قدمت دارد. نخستین دستاورد چنین رویکردی تأسیس دادگاه اطفال بزهارکار در ایالت ایلینویز آمریکا در سال ۱۸۹۹ و ترتیب رسیدگی خاص به جرم‌های آنان بود. (آشوری، ۱۳۹۲: ۲۱۹)

کودکان و نوجوانان در تماس با قانون^۱ به گونه‌های مختلفی از قبیل معارض قانون^۲ (بزهارکار)، بزه‌دیده^۳، در معرض خطر^۴ و شاهد^۵ جرم قابل تقسیم می‌باشند. (بارانی، ۱۳۹۳: ۱۳) طفل در لغت فارسی به معنای بچه، کودک، نوزاد، خردسال، خرده و ریزه از هر چیزی می‌باشد و جمع آن اطفال است. (دهخدا، ۱۳۷۲: ۲۴۵۲) در قوانین ایران طفل به کسی اطلاق می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

در تعریف نوجوان در شق الف بند ۲-۲ ماده ۲ سند حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت نوجوان (قواعد پکن) آمده است: نوجوان، کودک یا شخص جوانی است که ممکن است با وی برای تخلفی در چارچوب نظام‌های مربوطه به نحوی متفاوت از یک بزرگسال رفتار شود. در قوانین ایران از نوجوان تعریف خاصی ارائه نگردیده و هر جا سخن از اطفال به میان آمده بلافاصله از عنوان نوجوان نیز استفاده

1. Children and Juveniles In contact with the law

2. Children and Juveniles Conflict the Law

3. Children and Juveniles victims

4. Children and Juveniles at Risk

5. Children and Juveniles witness of Crime

شده است. برخی معتقدند دوران نوجوانی حدود سنی ۱۲ تا ۱۸ سالگی را در بر گرفته و مرحله انتقال از دوران طفولیت به دوره جوانی محسوب می‌شود. (براهنی، ۱۳۷۳: ۴۱) با توجه به اینکه قانونگذار در ایران سن اطفال را بین ۹ تا ۱۵ سال تعیین کرده و رسیدگی به کلیه جرایم اشخاص زیر ۱۸ سال را بر عهده دادگاه‌های اطفال گذاشته، این گونه استنباط می‌شود که افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال را بتوان به عنوان نوجوان تلقی نمود.^۱ از حیث پیشینه می‌توان گفت:

یاراحمدی (۱۳۹۶) در رساله دکتری خود با عنوان سیاست جنایی اجرایی پلیس ایران در قبال اطفال و نوجوانان: چالش‌ها و راهکارها سیاست جنایی اجرایی مطلوب و هم‌چنین سیاست جنایی اجرایی موجود پلیس را در قبال کلیه اقسام اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار داده است. باقری‌نژاد (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی نقش پلیس در حمایت از کودکان شاهد جرم در فرآیند دادرسی کیفری» حمایت پلیس را از کودکان شاهد جرم در کلیه مراحل دادرسی و حتی پس از آن، از طریق اتخاذ رویکردهای حمایتی مختلف از کودک مورد بررسی قرار داده است. بارانی و جزینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست جنایی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان معارض قانون» سیاست جنایی اجرایی پلیس ایران را تحلیل نموده‌اند. بارانی و کشفی (۱۳۹۱) در کتاب «آیین دادرسی کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش پلیس» استانداردهای رفتار پلیس را بررسی نموده‌اند. بارانی (۱۳۹۳) در کتاب «شیوه‌های رفتاری پلیس با کودکان و نوجوانان» بر ضرورت اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی پلیسی را تأکید نموده است. کشفی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «پیشگیری انتظامی از

۱. با استنباط از مواد ۲۸۵ و ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و مواد ۸۹، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.

بزهکاری اطفال و نوجوانان» به ضرورت ارتباط بین پلیس با سایر دست‌اندرکاران امر پیشگیری از جرم تأکید شده است.

در این راستا سوالات ذیل قابل طرح است:

- ۱- پیشگیری رشد مدار در نظام حقوقی ایران دارای چه جایگاهی است؟
- ۲- جلوه‌های پیشگیری رشد مدار در نظام حقوقی ایران دارای چه جایگاهی است؟
- ۳- برنامه‌های پیشگیری رشد مدار در نظام حقوقی ایران دارای چه جایگاهی است؟

مبانی نظری

مفهوم پیشگیری

پیشگیری به لحاظ لغوی به معانی جلوگیری از رخدادهای بد و ناخواسته آمده است در فرهنگ فارسی عمید پیشگیری اینگونه تعریف شده است: «هر نوع اقدامی که طیب یا مأمور بهداری برای جلوگیری از بروز مرض انجام بدهد.» شرمین عقیده دارد هر رویدادی که اعمال شود و نتیجه آن نشان بدهد که از نرخ بزهکاری کاسته شده آن رویداد را می‌توان پیشگیرانه دانست. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۱۵۸)

اقسام و روش‌های پیشگیری از جرم

الف) پیشگیری کیفی

پیشگیری کیفی که به پیشگیری ثالث یا سومین نیز مشهور شده است بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می‌گذارد به: ۱- پیشگیری کیفی - بازدارندگی عام ۲- پیشگیری کیفی - بازدارندگی خاص تقسیم می‌گردد. (همان: ۵۸۵)

پیشگیری عام

پیشگیری واکنشی عام که به آن بازدارندگی عام نیز گویند یک پیشگیری واکنشی جمع‌مدار «گروه‌مدار» است که با مخاطب قرار دادن شهروندان از طریق رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی جمعی به دنبال پیشگیری از بزهکاری نخستین افراد است. پیشگیری

عام بدین معنی است که اجرای مجازات در مورد مجرمین باعث ترس سایرین از ارتکاب جرم از سوی آنان می‌گردد. (آقایی، ۱۳۸۱: ۱۶۳)

پیشگیری خاص

پیشگیری واکنشی خاص که بازدارندگی خاص نیز نامیده می‌شود یک پیشگیری واکنشی مجرم‌مدار است که با اعمال کیفر بر فرد بزه‌کار و با رعب‌انگیزی و عبرت‌آموزی فردی در صدد پیشگیری از بزه‌کاری دوباره افراد «پیشگیری از تکرار جرم» است.

ب) پیشگیری غیر کیفری

پیشگیری کنشی «غیر کیفری» تدابیر و شیوه‌های گوناگونی است که برای جلوگیری از بزه‌کاری در بیرون از نظام کیفری به کار می‌روند. پیشگیری کنشی شامل آن دسته از تدابیر و اقدامات غیر کیفری است که پیش از ارتکاب جرم از طریق مداخله در اوضاع و احوال پیش‌جنایی و فرآیند شکل‌گیری افراد به دنبال جلوگیری از وقوع بزه‌کاری می‌باشد. این شاخه از پیشگیری به دو گونه پیشگیری موقعیت‌مدار و پیشگیری اجتماعی تقسیم می‌شود. اما رایج‌ترین طبقه بندی پیشگیری غیر کیفری، پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی می‌باشند.

پیشگیری اجتماعی

پیشگیری اجتماعی شامل آن دسته از تدابیر و اقداماتی است که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آنها و سالم‌سازی محیط اجتماعی و محیط طبیعی به دنبال حذف یا کاهش علل جرم‌زا و در نتیجه پیشگیری از بزه‌کاری است. (نیازپور، ۱۳۸۵: ۱۳۹-۱۲۷)

پیشگیری جامعه‌مدار

پیشگیری اجتماعی جامعه‌مدار که قدیمی‌ترین و رایج‌ترین شکل پیشگیری غیر کیفری بوده و مکتب تحقیقی نیز به آن تأکید کرده است شامل اقدامات اجتماعی، اقتصادی،

فرهنگی و پیشگیرانه‌ای می‌شود که نسبت به محیط‌هایی که فرد در آنها زندگی و کار می‌کند اعمال می‌شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۷: ۵۷۰)

پیشگیری رشدمدار

این رهیافت برای کاهش دادن مدت حضور افراد در فعالیتهای جنایی و جلوگیری از روی آوردن آنان به اعمال و حرفه مجرمانه است. پیشگیری رشدمدار به دنبال آن است تا علاوه بر افراد، محیط‌های شخصی و عمومی پیرامون آنان را نیز درگیر نماید تا از تداوم رفتار جنایی افراد در معرض خطر جلوگیری شود. (نیازپور، ۱۳۸۷: ۱۳۴)

هدف این نوع پیشگیری مداخله زودرس در افرادی است که رفتار ضد اجتماعی از خود بروز می‌دهند و این رفتار می‌تواند از تحول تدریجی به سوی یک بزهکاری در آینده خبر دهد. از این رو با مداخله در رشد فرآیند کودکان و تمرکز به روی عوامل فردی و اجتماعی که به پیشرفت آمادگی‌های مجرمانه کودکان و پایداری رفتارهای بزهکارانه در آنان تأثیر گذار است، می‌توان با جامعه پذیر کردن این افراد از تبدیل شدن آنان به بزهکار مزمن جلوگیری کرد. (رجبی پور، ۱۳۸۸: ۱۲۹)

پیشگیری وضعی

تئوری انتخاب بخردانه نشان می‌دهد از آنجائی که فعالیت جنایی جرم - فعالیتی ویژه است پیشگیری از جرم و یا حداقل کاهش جرم باید از طریق سیاست‌هایی بدست بیاید که مجرمین ناشناخته را متقاعد نماید که از فعالیت‌های جنایی دست بکشند، (سیگل، ۱۳۸۵: ۲۰۳) عملکردهایشان را به تعویق بیندازند و یا از هدف خاصی اجتناب کنند.

بررسی اطفال و نوجوانان و رویکرد مکاتب حقوق جزا به علل بزهکاری آنها

یکی از عوامل اکتسابی بزهکاری در جرم‌شناسی علت شناختی، «سن» است. «سن عامل جرم‌زای گذرا است؛ زیرا، انسان از تولد تا زمان فوت، از ادوار مختلف سنی عبور می‌کند و هر دور سنی اقتضانات و لوازم و طبع خاص خود را دارد.» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۱۶۸۹) از منظر جرم‌شناسی دوره‌های سنی به ۵ گروه تقسیم

می شود: اول از تولد تا ۱۲ سالگی؛ دوم از ۱۲ تا ۱۸ سالگی؛ سوم از ۱۸ تا ۳۰ سالگی؛ چهارم از ۳۰ تا ۹۰ سالگی؛ و پنجم از ۲۰ سالگی به بالا (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۱۶۸۷) دو گروه اول و دوم یعنی کودکان و نوجوانان از جمله گروه هایی به حساب می آیند که به جهت آسیب پذیری آنان از لحاظ بزهکاری و بزه دیدگی مورد توجه وافر علم جرم شناسی قرار گرفته اند.

رویکردهای مکاتب حقوق جزا در مورد علل بزهکاری فرزندان در خانواده
دیدگاه های مختلف در مورد علت بزه باعث طرح رویکردهایی به عنوان چارچوب نظری در این مورد شده اند که در ذیل به شرح آنها می پردازیم:

الف) رویکرد شکل ظاهری

این رویکرد در مورد بزه، نظری کاملاً متفاوت با رویکردهای دیگر دارد. شلدون و کراچمراندیشه تأثیر ریخت بدنی در پاسخ های فرد را نسبت به موقعیت، مطرح نمودند و بر اساس آن سه تیپ شخصیتی اندومرفیک، مزومرفیک و اکتومرفیک را معرفی کرده اند. در مطالعات شلدون نشان داده شده است که تیپ های شخصیتی تأثیر بسیاری در رفتار بزهکارانه دارند. بعدها مطالعات گلاک، در مورد ۵۰۰ نفر که بزهکاری آنها ثابت شده است در مقابل ۵۰۰ نفر غیربزهکار، تیپ شخصیت مزومورف را خشمگین تر و مساعدتر برای رفتار بزهکارانه تعریف کرده است. اگرچه در مطالعه او چهل و دو عامل فرهنگی اجتماعی نیز با بزهکاری همبستگی داشته اند. یافته های برخی از مطالعات نشان می دهند تمایل قاضی در تأیید بی گناهی افرادی است که از جذابیت ظاهری بیشتری برخوردارند. (مشکانی، ۱۳۷۷: ۷۸)

ب) رویکرد روانشناختی

در رویکردهای روانشناختی نیز علاوه بر عوامل زیستی، عوامل موقعیتی در تبیین رفتار بزهکارانه مهم به نظر می رسند. ارزیابی این رویکرد، بیانگر آن است که افراد دارای شخصیت های درونی هستند که با جرم و رفتار بزهکارانه در ارتباط است. اما از طرفی

دیگر نگاهی به ماهیت پژوهش‌های روان‌شناختی که عمدتاً از طریق روان‌سنجی انجام می‌شود خود خالی از اشکال نیست و انتقادات خود را به همراه دارد، به طوری که مشکلات بررسی‌های روان‌سنجی و روان‌شناختی باعث شده است که جرم‌شناسان با تمام علاقه‌ای که به دیدگاه‌های روان‌شناختی بزه‌داران این پژوهش‌ها را بی‌معنا بدانند. به طور خلاصه می‌توان اظهار داشت که رویکرد روان‌شناختی، هنوز نتوانسته است به روشنی تأثیر شخصیت را در بزهکاری نشان دهد. شاید پیشنهاد موجه‌تر، بررسی تحلیلی موقعیت وقوع رفتار و شخصیت متفقاً رهگشا باشد. (مشکانی، ۱۳۷۷: ۸۰)

ج) رویکرد التقاطی

نظریه تلفیقی این پژوهشگران شامل دو مؤلفه است که مجموعاً چارچوب نظری پژوهش را تشکیل می‌دهد. مؤلفه اول را کنترل‌های خانوادگی، اجتماعی، روابط عاطفی کودک و نوجوان با افراد مهم در زندگی او از قبیل اقوام، معلمین، دوستان صالح و غیره تشکیل می‌دهند که نقش بازدارنده در گرایش به بزهکاری دارند. مؤلفه دوم از نیروهای وارده بر کودک و نوجوان از طرف والدین بزهکار، محله جرم‌خیز و کسانی که به نحوی گفتار و رفتارشان بر کودک و نوجوان اثر می‌گذارد و او را در جهت بزهکاری سوق می‌دهند، تشکیل می‌دهد. بدیهی است که بین مؤلفه اول و دوم کشمکش در بین است و تعامل بین آن دو است که نهایتاً موضع کودک و نوجوان را نسبت به بزهکاری تعیین می‌کند. (مشکانی، ۱۳۷۷: ۸۵)

د) رویکرد پیوند افتراقی

بنابر این نظریه نزدیکان و همسالانی که بزهکار باشند در تشکیل و تقویت نگرش بزهکاری کمک مؤثر می‌کنند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. نظریه پیوند افتراقی محتوای اجتماعی بزهکاری را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی او از حیث رابطه اش با خانواده، با محله و رفقا در نظر می‌گیرد. این نظریه ابتدا از سوی "ساترلند" و "کرسی" مطرح گردید و بعدها توسط "دوفلور" و "کوینی" به صورت

زیر فرمول‌بندی شد: «انگیزه‌ها، نگرش‌ها و روش‌هایی بزهکارانه‌اند که به طور مؤثر به ارتکاب مکرر جرائم می‌انجامد. پیوستن با بزهکاران یا جدا شدن از غیربزهکاران (پیوند افتراقی) به فراگیری مطالبی می‌انجامد که موافق تخلف از قوانین است.» (ستوده، ۱۳۷۸: ۵)

طبیعی است که شخص با توجه به توانایی نسبی این نظریه‌ها و پی‌بردن به نقص آنها، بتواند نظریه‌ای تلفیقی که از ترکیب آن دو پدید می‌آید، بنا نهد. (مشکانی، ۱۳۷۷: ۸۲)

۵) رویکرد وضعیت اقتصادی

در این رویکرد تأثیر عامل اقتصادی به موضوع بزهکاری، مسأله فقر و بیماری به طور گسترده مطالعه شده‌اند. موضوع فقر و دلایل ارائه شده از تأثیر آن در بروز رفتار بزهکارانه ایجاب می‌کند که محله‌های فقیرنشین و محله‌های غنی نشین با همدیگر مقایسه شوند تا بتوان ادعا کرد که فقر به عنوان عامل تأثیرگذار شناخته شده است. در مطالعاتی که از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد انجام شده است، آمارهای موجود حاکی از آنند که درصد زیادی از افرادی که در ۴۹ ایالت آمریکا در پایین‌تر از خط فقر هستند هیچکدام از هفت بزه مهم را که به عنوان شاخص‌های جرم از طرف سازمان FBI تعیین شده، مرتکب نشده‌اند. (کمالی، ۱۳۸۵: ۸۰-۷۰)

تجزیه و تحلیل یافته‌ها:

حقوق رشدمدارانه اطفال و جلوه‌های پیشگیری رشدمدار

حقوق رشدمدارانه اطفال شامل حق هویت، حق حمایت و مراقبت، حق تابعیت، حق عدم تبعیض، حقوق کودکان تحت سرپرستی نیز از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه و احترام، حق داشتن خانواده، حق برخورداری از شرایط مناسب در محیط خانواده جهت هنجارپذیری و آموزش الگوهای مناسب، حق برخورداری از سطح زندگی مناسب برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی، حق حفاظت در برابر بی‌توجهی‌ها

و سوءرفتار و حق آموزش و پرورش می باشد. (قهرمانی افشار و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۷-۷۴)

جلو‌های پیشگیری رشدمدار

پیشگیری رشدمدار در آموزه‌های دینی

آنچه مسلم است اولین نقش در آموزش تعالیم دینی به کودکان و نوجوانان بر عهده نهاد خانواده و پس از آن مدرسه و سیستم آموزشی است، این امر به موازات همکاری و مشارکت حاکمیت در تأمین امنیت جامعه و سالم‌سازی آن می‌باشد. در قرآن کریم از مراحل رشد انسان زمان حمل، بلوغ، بلوغ نکاح و بلوغ آشد و در موارد اشاره به پیری گردیده است. برای نمونه، بلوغ حلم در آیه ۵۹ سوره نور ذکر گردیده است: «و اذا بلغ الأطفال منتهم الخلم فلیستأذنوا کما استأذن الذین من قبلهم کذلک بین الله لکم آیاته و الله علیم حکیم؛ یعنی، و چون کودکان شما به سن بلوغ رسیدند باید از شما کسب اجازه کنند همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد و خدا دانای سنجیده کار است.

پیشگیری رشدمدار در گستره قوانین و مقررات ایران

در ایران، آموزش و پرورش در زمینه جرم‌شناسی و پیشگیری از جرم نخست در مؤسسه‌های علمی دانشگاهی و سپس در مراجع قضایی اجرایی در حد تصویب مقررات و آیین نامه مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این اقدامات، ایجاد در دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰ برای پیدا کردن روش‌های مؤثر بر پیشگیری از جرم و تصویب قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار در سال ۱۳۳۸ با اولویت دادن به تربیت و اصلاح اطفال و نوجوانان بزهکار در قبل از انقلاب اسلامی است.

پس از انقلاب اسلامی، مجلس خبرگان در نخستین گام، بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی را به پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان اختصاص داد. سپس در سطوح مختلف دانشگاهی، قانونگذاری، قضایی و اجرایی بحث‌های جرم‌شناختی به ویژه پیشگیری از

وقوع جرم مد نظر حقوقدانان، قانونگذاران، قضات و دست‌اندرکاران اجرایی قرار گرفت.

ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ مقرر می‌داشت: اقدامات تأمینی عبارتند از: تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم در باره مجرمان خطرناک اتخاذ می‌کند. از جمله کسانی که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی، کیفیت ارتکاب جرم و نوع جرم ارتكابی، آنان را در مظان ارتكاب جرم در آینده قرار می‌دهد، ممکن است از میان اطفال و نوجوانان باشند. (رشادتی، ۱۳۸۷: ۳۰۲)

لایحه قانونی تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹ با اصلاحات ۱۳۷۵ نیز پیشگیری از وقوع جرم را به عنوان یکی از وظایف سازمان برشمرده است. بر این پایه، طرح‌های مختلفی از جمله طرح‌های آموزش زندگی خانوادگی، آموزش مهارت‌های زندگی و برنامه همیاران بهداشت روانی در زمینه پیشگیری از جرم توسط سازمان بهزیستی کشور به اجرا گذاشته شده است. (بیات و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۱)

قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به اهمیت پیشگیری از وقوع جرم نظر داشته است. برای نمونه، در بند «ز» ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب ۸۳/۶/۱۱ تمهید ساز و کارهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم بر اساس اصل ۱۵۶ قانون اساسی» و در ماده ۱۳۲ «باز پروری مناسب و اصلاح و تربیت زندانیان با هدف بازگشت آنان به زندگی سالم اجتماعی...»، پیشگیری از جرم و اصلاح بزهکاران را به عنوان یکی از ارکان سیاست جنایی ایران به رسمیت می‌شناسد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۶۴)

قانون ایجاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۸۳/۲/۲۱ در ماده ۹، سیاست پیشگیری از ظهور یا گسترش انحراف و مشکلات اجتماعی را از طریق فراهم کردن زمینه استقرار رفاه عمومی و ارتقای انواع حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی، مدنی و غیره

(موضوع مواد ۱، ۳ و ۴ این قانون در سطح جامعه را مورد تأکید قرار داده است. به استناد بند «د» ماده ۸ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹ یکی از وظایف پلیس ایران، پیشگیری از جرم است. در همین ارتباط پلیس با طیفی از مداخلات در حوزه پیشگیری اعم از انتظامی، وضعی و اجتماعی روبرو می‌باشد که در بخش اجتماعی آن نیز ارتباط و تعامل بامدارس و دانش‌آموزان از ویژگی خاصی برخوردار است. این مهم می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای را در روند جامعه‌پذیری اطفال و نوجوانان به منظور کاهش بزهکاری ایفا نماید. (رجبی پور، ۱۳۸۷: ۱۲۴-۱۲۳)

برنامه‌های پیشگیری رشدمدار

شواهد نشان می‌دهد که تلاش پیگیر متخصصان، آموزگاران، مددکاران اجتماعی، قضات، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و روان‌پزشکانی که در پی یافتن راه‌ها و وسایلی برای پیشگیری و کنترل رفتار خودسرانه کودکان و نوجوانان هستند، به تنهایی و بدون مشارکت دسته‌جمعی آنها نمی‌تواند مشکل بزهکاری را حل کند یا آن را تحت کنترل در آورد. در این امر مهم همه باید شرکت کنند و حتی خود نوجوانان نیز باید در حل مشکلی که اساساً به خود آنها مربوط می‌شود، شرکت داده شوند. از آنجایی که مراحل مختلف رشد کودکان در مکان‌های مختلف خانواده، مدرسه و اجتماع صورت می‌گیرد، برنامه‌های پیشگیری زودرس به برنامه‌های خانواده‌مداری مدرسه‌مدار و اجتماع‌مدار تقسیم می‌شود. (گراهام، ۱۳۸۳: ۴۸-۴۹)

برنامه‌های خانواده‌مدار

برنامه‌های خانواده‌مدار مشتمل بر برنامه‌های دیدارهای خانگی زود هنگام و آموزش‌های پیش‌دبستانی، آموزش پدر و مادر و حفظ خانواده می‌شود. دوره‌های آموزش پدر و مادر هم می‌تواند به آنها کمک کند تا به گونه‌ای سازنده تر واکنش نشان دهند و از شیوه انضباطی ملایم تری استفاده کرده و از وضعیت‌هایی که تضاد و کشمکش را تشدید می‌کند، پرهیز کنند.

برنامه‌های مدرسه‌مدار

برنامه‌های مبتنی بر مدرسه نیز که متمرکز بر حمایت از رشد شناختی کودکان و مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌هایی در خصوص حل مشکلاتشان و کنترل خود و اداره فشارهای وارد بر آنان و ایجاد کلاس‌هایی برای والدین به منظور آموزش آنها در زمینه پاداش دادن و تشویق رفتارهای مطلوب کودکان، می‌باشد و به منظور بهبود محیط مدرسه، افزایش تجربیات مثبت کودکان در مدرسه، افزایش اعتماد به نفس و افزایش شرکت در فعالیت‌های مدرسه صورت می‌گیرد، می‌توانند نتایج مفیدی به دنبال داشته باشد.

برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت

یکی از شناخته شده‌ترین واکنش‌های تنبیهی در عرصه دادرسی کودکان و نوجوانان معارض با قانون، تدابیر سالب آزادی است که در قالب اعزام به مؤسسات نگهداری اطفال، نمود می‌یابد. مؤسسات نامبرده در نظام حقوقی ایران، با عنوان کانون اصلاح و تربیت شناخته می‌شوند. کانون اصلاح و تربیت مرکز نگهداری، تهذیب و تربیت اطفال و نوجوانانی است که به علت ارتکاب بزه محکوم شده‌اند. (کاریو، ۱۳۸۱، ۲۶۷) بنابراین پیشگیری رشدمدار با بهره‌گیری از اقدامات ترمیمی و اصلاح‌گر درصدد از بین بردن تداوم بزهکاری در اطفال و نوجوانان است. (نیازپور، ۱۳۹۱: ۱۹۸)

برنامه‌های آموزشی - پرورشی

برنامه‌های آموزشی کانون اصلاح و تربیت، در دو حوزه تحصیلات علمی و حرفه‌آموزی دنبال می‌شوند؛ برنامه‌های مذکور با توانمندسازی علمی و عملی مددجویان، فرصت‌های مشروع دست‌یابی به اهداف را در دسترس آنها قرار می‌دهند. چنین رویه‌ای از منظر نظریه فشار، در پیشگیری از جرایم مؤثر است. از این‌رو توجه به این موضوع مهم بایستی در صدر برنامه‌ریزی‌های کانون اصلاح و تربیت قرار گیرد و

امکانات لازم، جهت ادامه تحصیل مددجویان در دوران حضور در کانون، مهیا شود. (میرکمالی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۰)

برنامه‌های آموزشی - حرفه‌ای

مددجویان کانون اصلاح و تربیت، پس از تشکیل پرونده شخصیت و ورود به قسمت نگهداری، مشمول برنامه‌های کانون می‌شوند. بخش مهمی از برنامه‌های اجرایی متوجه حرفه‌آموزی در قالب کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای است. آن‌ها بر مبنای خواست و سلیقه و همچنین با توجه به سطح دانش خود، در یکی از کارگاه‌های حرفه‌آموزی، مشغول می‌شوند. (میرکمالی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۰)

برنامه‌های فرهنگی

هدف اصلی در ترتیب برنامه‌های مورد بحث، آموزش فرهنگ زندگی صحیح، با توجه به تمامی نیازهای روحی و روانی مددجویان در کانون اصلاح و تربیت است. (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۰۳)

الف- برنامه‌های تربیتی: پیشگیری رشدمدار تربیت‌مدار است؛ یعنی «درصد شخصیت‌سازی افراد است. به دیگر سخن، این پیشگیری با بهره‌گیری از تدابیر و اقدامات آموزشی - پرورشی بر سالم‌سازی فرآیند رشد افراد تأکید دارد. از این‌روست که این پیشگیری تلاش می‌کند در روند شکل‌گیری شخصیت مجرمانه اختلال ایجاد کند و فرد را به سوی جامعه‌پذیری هدایت کند.»

ب- تقویت حس مسئولیت‌پذیری: یکی از برنامه‌های مهم و اصلی مریبان کانون، باید مبتنی بر تقویت حس مسئولیت‌پذیری در مددجویان باشد. آن‌ها باید بیاموزند که با تبعات عمل خود مواجه شوند و واقعیات ناشی از آن را بپذیرند. فرار از واقعیت، شایسته یک شهروند هنجارمند نیست.

پ- آموزش نظم: اگر هدف برنامه‌های کانون اصلاح و تربیت، تبدیل کردن مددجویان به یک شهروند مطیع قانون است، ناگزیر از توجه به این موضوع مهم است.

مددجویان باید با مفهوم نظم و تبعیت از آن آشنا شده و چنین ارزشی در آن‌ها نهادینه شود؛ زیرا در پرتو آن، می‌توان اطاعت از قانون در اجتماع را به آن‌ها آموخت. **ت- ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی:** بدیهی است مطالعه سبب افزایش سطح اطلاعات و جهت‌دهی سامانه رفتاری افراد شده و اقدامی مؤثر در جهت جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان است. همچنان که از شکل‌گیری حس‌پردشدگی و در انزوا بودن نیز جلوگیری می‌کند. از این رو ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی، فراهم نمودن امکانات کتابخانه‌ای و قرار دادن کتاب در دسترس مددجویان، باید در دستور کار مدیریت کانون قرار گیرد.

برنامه‌های مذهبی

اثر پایبندی به مذهب در بازدارندگی از ارتکاب جرم، چنان است که نمی‌توان از آن چشم پوشید. ساترلند، جرم‌شناس آمریکایی نیز به این موضوع اشاره کرده و معتقد است، ارتکاب جنایت در اغلب موارد، نقض اصول اخلاقی و مذهبی است. همچنین وی بیان می‌کند: «به حق می‌توان نتیجه گرفت که رابطه کامل و نزدیکی بین تبهکاری، کلیسا و نهاد مذهبی وجود دارد. از یک نقطه نظر، تبهکاری معرف شکست کلیسا در رهبری اخلاقی اعضای جامعه است و به سهولت می‌توان از آن نتیجه گرفت که «فقدان تربیت مذهبی» علت اساسی تبهکاری است.» (کی‌نیا، ۱۳۶۹: ۲۵۰) بنابراین با رفع این خلأ می‌توان مانع از بزهکاری مجدد آن‌ها شد.

برنامه‌های تفریحی - ورزشی

اهمیت اوقات فراغت و در کنار آن استفاده از امکانات تفریحی برای جوانان، در روانشناسی و علوم پیشرفته فیزیکی شناخته شده است. بازی، ورزش، کار فرهنگی، نمایش و خدمات اجتماعی از این قبیل می‌باشند. برنامه‌های مربوط به اوقات فراغت و تفریح به منظور مبارزه با امراض اجتماعی، مثل مواد مخدر و تکرار بزهکاری به وجود

می‌آید و می‌تواند بر اساس ارتقای نیروی بالقوه فیزیکی، ذهنی و حسی جوانان گسترش یابد. (میرکمالی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۰۹)

برنامه‌های پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

یکی از شاخصه‌های سیاست جنایی اجرایی افتراقی پلیس در قبال اطفال و نوجوانان اقدامات پیشگیرانه قبل از وقوع جرم است. برابر بررسی‌های به عمل آمده، در بسیاری از موارد، اطفال و نوجوانان در ابتدا در موقعیت ارتکاب رفتارهای مخاطره‌آمیز^۱ قرار گرفته‌اند و سپس به بزه‌کاری روی آورده‌اند. ارتکاب رفتارهایی نظیر فرار از خانه و مدرسه، نشست و درخواست با افراد سابقه‌دار، استعمال دخانیات، حضور در اماکن جرم‌زا، داشتن والدین معتاد، کودکان تک والدینی و ... به عنوان موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و یا رفتارهای منحرفانه در بسیاری از موارد سبب بروز بزه‌کاری و یا بزه‌دیدگی اطفال و نوجوانان شده‌اند. (پاراحمدی، ۱۳۹۶: ۴۹)

اقدامات پیشگیرانه پلیس در سه بُعد حمایتی، مشارکتی و تعاملی قابل اجرا می‌باشند. از حیث بُعد حمایتی پلیس می‌توان به اقداماتی نظیر هشدار و اخطار به والدین و یا مربیان مدارس، تحویل طفل یا نوجوان به خانواده یا اورژانس‌های اجتماعی، انجام اقدامات مراقبتی، مداخله حرفه‌ای پلیس در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز اشاره نمود. از حیث بُعد مشارکتی نیز برگزاری نشست‌های گروهی و خانوادگی، مشارکت‌دهی اطفال و نوجوانان در اجرای سیاست‌های پیشگیرانه پلیس، برگزاری کلاس‌های آگاه‌سازی برای اطفال و نوجوانان تأکید نمود و در نهایت در زمینه بُعد حمایتی نیز اقداماتی نظیر تعامل با سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO ها)، تعامل با مدارس دولتی و غیردولتی و تعامل با بهزیستی، شهرداری و سایر سازمان‌های دولتی ذی‌ربط درخور توجه می‌باشند.

(پاراحمدی، ۱۳۹۶: ۱۵۱)

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به ماده ۲ و ۳ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان.

یافته‌ها

با نگاهی به تاریخچه قانونگذاری در ایران مشاهده می‌شود در ۹۰ سال گذشته سیاست جنایی ایران در حوزه تقنینی و به تبع آن سیاست جنایی اجرایی پلیس ایران دستخوش فراز و نشیب‌هایی شده است. اما باید گفت از سال ۱۳۰۴ تا کنون در خصوص افتراقی نمودن سیاست جنایی اجرایی در قبال اطفال و نوجوانان چه از منظر شکلی و چه از نظر ماهوی پیشرفت چشمگیری حاصل نشده است. (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۷: ۱۲)

قانون تشکیل دادگاه ویژه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸/۰۸/۲۷ طی ۳۳ ماده در جهت افتراقی کردن مرحله دادرسی برای اطفال و نوجوانان اقدام نموده اما در همین قانون^۱ و قوانین بعد از آن نظیر قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری^۲ در خصوص وظایف ضابطان دادگستری در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر هیچ سخنی به میان نیامده است. به واقع تا زمان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، هیچ‌گاه در قوانین ایران به طور جدی به تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و وظایف آنان در قبال این قشر آسیب‌پذیر اشاره‌ای نشده است. با وجود اینکه در ماده ۳۱ قانون اخیرالذکر، بر تأسیس پلیس ویژه اطفال تأکید شده اما در مواد بعد از آن نظیر ماده ۲۸۵ و تبصره‌های آن رسماً با تبعیت از قوانین گفته شده، کلیه وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری به دادگاه اطفال واگذار شده است.

از طرفی با مطالعه ساختار نظام پلیسی ایران و بررسی قوانین مربوطه نظیر قانون ناجا مصوب ۱۳۶۹، قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، در خصوص اختیارات و وظایف پلیس در قبال اطفال و نوجوانان سکوت اختیار شده است. هرچند تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی

۱. ماده ۶ قانون تشکیل دادگاه ویژه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸/۰۸/۲۷.

۲. ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸.

کیفری مصوب ۱۳۹۲، پلیس با تشکیل دوایری در کلانتری‌ها تحت عنوان مراکز مشاوره به امور اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌نموده و در برخورد با اطفال و نوجوانان به استناد بندهای ۱۷ و ۱۸ ماده ۴ قانون ناجا تلاش نموده تا با همکاری سایر سازمان‌ها نظیر بهزیستی و شهرداری‌ها به نوعی اقداماتی را به انجام برساند اما هیچ‌گاه در خصوص تدابیر حمایتی در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر، اختیارات قانونی به پلیس اعطا نشده است.

بنابراین با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت قانونگذار بر خلاف مداخله قضایی که از یک منطقی و سیاست جنایی افتراقی در قبال اطفال و نوجوانان تبعیت نموده، در خصوص سیاست جنایی افتراقی مداخله پلیسی به طور عام و سیاست جنایی اجرایی حمایتی پلیس به طور خاص در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر سکوت اختیار نموده است.

تنها روزنه‌ای که بارقه‌های امید را در خصوص پرداختن به وظایف، اختیارات و ساختار پلیس اطفال و نوجوانان زنده می‌کند لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان می‌باشد که ضمن تخصیص فصل چهارم خود تحت عنوان تدابیر و اقدامات حمایتی، در مواد مختلفی از جمله ماده ۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۲ و ۳۶، وظایف و اختیارات پلیس و برخی اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط، در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر پیش‌بینی شده است. در جایی دیگر در فصل دوم پیش‌نویس لایحه تشکیل پلیس اطفال، بخشی تحت عنوان ساختار و سازمان، در شش ماده (از ماده ۱۰ تا ۱۵) کلیاتی راجع به شرایط و چگونگی جذب نیرو و ساختار پیشنهادی در این پلیس ویژه بیان شده است. در این پیش‌نویس، ساختار پلیس ویژه اطفال شامل ستاد پلیس ویژه، واحد مددکاری اجتماعی، واحد حمایت از بزه‌دیدگان، واحد پیشگیری پیش‌بینی شده است. (کوشکی، ۱۳۹۴: ۲۰۱)

نتیجه گیری

برخی از کودکان و نوجوانان، در رفتارهای خطرناک و قانون شکنانه درگیر می شوند که شایع ترین آنها در برخی از کشورها عبارتند از نوشیدن مشروبات الکلی قبل از رسیدن به سن قانونی، تقلب در امتحان، خرابکاری، درگیری در نزاع فیزیکی و... برخی از تخلفات کوچک و کم اهمیت، ممکن است در سنین پایین طبیعی به نظر برسند، با این وجود، مراقبت در راستای عدم درگیری این گروه سنی، در فعالیت های غیرقانونی و تربیت شهروندان قانونمند و مسئولیت پذیر، از اهمیت بسیار برخوردار است. لزوم پیشگیری و درمان بزهکاری کودکان و نوجوانان، از دلایل بسیاری برخوردار است که بدیهی ترین آنها عبارتند از اینکه بزهکاری، این گروه سنی را در معرض مخاطراتی بسیار جدی و جبران ناپذیر مانند مصرف مواد مخدر و اعتیاد، فرار از مدرسه، حبس، مصدومیت، و... و در نهایت، بزهکاری مزمن در بزرگسالی قرار می دهد.

توجه به نقش مدرسه و همسالان از یک سو و نقش خانواده در مرحله پاسخ گویی، به عنوان مهم ترین نهاد جامعه پذیری و تربیت اطفال، زمینه ساز دستیابی هر چه بهتر نظام عدالت کیفری اطفال به اهداف عالیه خود که همانا اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان معارض با قانون است، می شود. بدین نحو، کودک در محیط طبیعی و اولیه تربیت، یعنی خانواده، تحت نظارت قرار می گیرد و ضمن مورد پاسخ قرار گرفتن از خطر مهم برچسب زنی ناشی از استمرار حضور در بستر دستگاه قضایی مصون می ماند. این کارکرد همان موضوعی است که اسناد بین المللی موجود نیز آن را مورد اشاره قرار داده و بدان تأکید ورزیده اند. افزون بر این، عملکرد خانواده در مرحله پاسخگویی که در قالب یک اقدام تأمینی و تربیتی نمود می یابد، از جمله بهترین و موثرترین تدابیر کیفرزدایی محسوب شده و طفل را از تمامی مزایای اینگونه پاسخها بهره مند می گرداند. قانون گذار جمهوری اسلامی ایران نیز در قانون مجازات اسلامی مصوب

۱۳۹۲، با تأسی از اصول حاکم بر نظام عدالت کیفری اطفال و همچنین به طور ویژه، متأثر از آموزه‌های پیشگیری رشدمدار، توجه به خانواده را در مرکز توجهات خویش قرار داده و دخالت نهاد مزبور را به عنوان نخستین پاسخ و چه بسا موثرترین آن، برگزیده است. در این قالب که از یک سو حضانت و سرپرستی خانواده را بر هر اقدام دیگر مرجح دانسته و اجازه داده تا مراحل جامعه پذیری کودکی که به هر دلیل صحیح پیش نرفته است، در بستر و محیط خانواده - به عنوان مرکز اولیه جامعه پذیری - تکمیل گردد. هر چند سیاست گذاران جنایی بر این مهم نیز واقف بوده‌اند که هرگاه خانواده خود، عامل اصلی یا تشویق کننده بزهکاری طفل باشد، حضانت ایشان سلب گردیده و سرپرستی طفل توسط خانواده جایگزین تأمین گردد. چه بسا آنچه موضوعیت دارد اصلاح و تربیت اطفال بزهکار است که بایستی به نحو مقتضی میسر گردد. در مجموع، از آنجا که ماده ۸۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، نشأت گرفته از آموزه‌های رشدمدار بوده و پیشگیری رشدمدار نیز موثرترین رویکرد در پیشگیری از بزهکاری اطفال می‌باشد؛ لذا جایگاه خانواده از این حیث قابل تأمل بوده و گویای نقشی موثر در پاسخ‌دهی به اطفال بزهکار است. آنچه در این میان بدان توجهی نشده است، عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای مناسبی در موارد تخطی از اجرای دستورات دادگاه می‌باشد. بدیهی است با توجه به آثار بازپرورانه و رشدمدار دستورات برشمرده شده در تبصره ماده ۸۸، وجود ضمانت اجرای متناسب، اجرای هر چه بهتر آن را از سوی خانواده تضمین می‌کند و در نتیجه اهداف پیشگیرانه و کودک‌مدار نظام دادرسی اطفال به نحو مطلوب‌تری تحقق می‌یابد. سازمان پلیس می‌تواند به استناد ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ با در نظر داشتن ابعاد حمایتی، مشارکتی و تعاملی از طریق تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و به کارگیری پلیس آموزش دیده در زمینه پیشگیری از وقوع بزه توسط اطفال و نوجوانان نقش به‌سزایی را ایفا نماید.

از آنجایی که برابر تجربه کشورهای موفق در زمینه تأسیس پلیس ویژه اطفال، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مربوط به اقدامات حمایتی و پیشگیرانه پلیس در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر می‌باشد لذا در این خصوص پیشنهاداتی توسط نگارنده به شرح ذیل ارائه می‌شود:

(۱) توجه بیشتر قانونگذار به حقوق اطفال در معرض خطر و ایجاد توازن بین حقوق کلیه اقسام اطفال و نوجوانان؛

(۲) تدوین یک مجموعه قوانین جامع در خصوص وظایف و اختیارات کلیه سازمان‌ها از جمله پلیس در قبال اطفال در تماس با قانون در جهت حمایت از حقوق آنان؛

(۳) تعارض‌زدایی از برخی مواد قانونی در حوزه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نظیر ماده ۳۱ و ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب سال ۱۳۹۲؛

(۴) الگوبرداری از قوانین و مقررات خاص پلیس اطفال کشورهای پیشرفته و موفق در زمینه چگونگی برخورد با اطفال و نوجوانان در معرض خطر؛

(۵) گسترش باور و اعتقاد به اصول بین‌المللی نزد کارگزاران قوه قضاییه در زمینه اعطای اختیارات به پلیس در قبال کلیه گونه‌های اطفال و نوجوانان به ویژه در معرض خطر؛

(۶) بازنگری دقیق مفاد پیش‌نویس لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و تبیین دقیق ساختار قانونی آن ۱۳۹۲؛

(۷) تصویب قانون تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و شفاف‌سازی ساختار، وظایف و اختیارات پلیس در زمینه برخورد با کلیه اقسام اطفال و نوجوانان.

سپاسگزاری:

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همکاری علمی و صمیمانه تمام همکاران خود در اجرای این پژوهش به ویژه استاد دکتر حسین آقایی نیا قدردانی نمایند.

منابع

- ۱- آشوری، محمد. (۱۳۹۲). عدالت کیفری. مجموعه مقالات، تهران، انتشارات دادگستر.
- ۲- آقایی، حسین. (۱۳۸۱). پیشگیری عمومی از بزهکاری مانعی برای جرم زدایی، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۱.
- ۳- بارانی، محمد (۱۳۹۳). «شیوه‌های رفتاری پلیس با کودکان و نوجوانان»، چاپ اول، تهران، انتشارات معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- ۴- بارانی، محمد و کشفی، سیدسعید (۱۳۹۲). «نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان- راهنمای عملی پلیس»، تهران، انتشارات معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- ۵- بارانی، محمد و جزینی، علیرضا (۱۳۸۸). «سیاست جنایی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان معارض با قانون»، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، چاپ و نشر حدیث کوثر.
- ۶- باقری‌نژاد، زینب (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی نقش پلیس در حمایت از کودکان شاهدجرم در فرآیند دادرسی کیفری»، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، چاپ و نشر حدیث کوثر.
- ۷- بیات، بهرام، شرافتی‌پور، جعفر و دیگران. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور، تهران، انتشارات معاونت اجتماعی نیروی انتظامی.
- ۸- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر: دکتر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ۹- رجبی‌پور، ابراهیم. (۱۳۸۸). پیشگیری انتظامی شهروندمدار، نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، مجموعه مقاله‌های کارگروه پیشگیری انتظامی از جرم، تهران، انتشارات معاونت ناجا.

- ۱۰- رشادتی، جعفر. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم در قرآن، تهران، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- ۱۱- ستوده، هدایت الله. (۱۳۷۸). آسیب شناسی اجتماعی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات آوای نور.
- ۱۲- سیگل، لاری جی. (۱۳۸۵). جرم شناسی، ترجمه یاشار سیف الهی، چاپ اول، انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا.
- ۱۳- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲.
- ۱۴- قهرمانی افشار، نیوشا و دیگران. (۱۳۹۵). پیشگیری رشدمدار؛ بررسی فقهی و حقوقی (ایران و انگلستان)، فصلنامه علمی پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال نهم، شماره دوم.
- ۱۵- کشفی، سیدسعید و اصانلو، علی (۱۳۹۰). «پیشگیری انتظامی از بزهکاری اطفال و نوجوانان»، نشریه پلیس زن، سال پنجم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان.
- ۱۶- کاریو، روبر. (۱۳۸۱). مداخله روانشناختی اجتماعی زودرس در پیشگیری از رفتار مجرمانه، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶-۳۵.
- ۱۷- کمالی، علی. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر جامعه شناسی نابرابری‌های اجتماعی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۸- کی‌نیا، مهدی. (۱۳۶۹). مبانی جرم شناسی، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاه تهران.
- ۱۹- گراهام، جان. (۱۳۸۳). مقاله تأثیر مداخله‌های زود هنگام روانشناختی - اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری، ترجمه یاسمن خواجه نوری، مجله حقوقی دادگستری، سال ۶۸، شماره ۴۸-۴۹.
- ۲۰- مقررات حداقل استاندارد سازمان ملل متحد برای دادرسی ویژه نوجوانان (قواعد پکن) مصوب سال ۱۹۸۵.

- ۲۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۸). پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲۵-۲۶.
- ۲۲- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۷). بزهکاری به عادت از علت‌شناسی تا پیشگیری، تهران، انتشارات فکرسازان.
- ۲۳- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۵). پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ولایحه پیشگیری از وقوع جرم، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۵.
- ۲۴- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۳). حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۸-۴۹.
- ۲۵- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۱). تکالیف جرم‌شناسانه دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. مجله حقوقی دادگستری.
- ۲۶- مشکانی، زهراسادات. (۱۳۷۷). آزمون تجربی نظریه التقاطی در بزهکاری کودکان و نوجوانان تهران بزرگ، مجله دانشکده پزشکی.
- ۲۷- مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ (۱۳۸۷)، سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، تهران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۳-۶۲.
- ۲۸- میرکمالی، علیرضا و دیگران. (۱۳۹۴). کانون اصلاح و تربیت از منظر پیشگیری رشدمدار، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره سیزدهم.
- ۲۹- یاراحمدی، حسین. (۱۳۹۶). سیاست جنایی اجرایی پلیس ایران در قبال اطفال و نوجوانان: چالش‌ها و راهکارها، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران.